

کاربست رهیافت سیستمی جامع‌نگر در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران

علیرضا محمدی^۱ - عبدالمطلب عبدالله^۲ - محمدحسین خوانین‌زاده^۳

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

چکیده

کارآمدی از مسائل حیاتی نظام جمهوری اسلامی است. نظریه‌پردازی‌های این حوزه در ابتدای راه بوده و این واقعیت، مشکلات مهمی را در سطوح مختلف تئوریک و فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرایی، گزینشگری و ارزیابی به وجود آورده است. این پژوهش با طراحی رهیافت سیستمی جامع‌نگر، چگونگی کاربرد، اهمیت و امتیازات این رهیافت را در ارتباط با کارآمدی این نظام مورد تحلیل قرار می‌دهد. به گمان نگارندگان، کارآمدی جمهوری اسلامی، نیازمند مدلی علمی مبتنی بر شاخص‌های بومی است تا با رویکردی واقع‌گرایانه و جامع به همه عناصر ایده‌ای، ساختاری، کارگزاری، رفتاری و فرایندهای داخلی و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی پیرامون نظام سیاسی، پاسخ‌گوی همه ابعاد کارآمدی باشد. کاربرد رهیافت سیستمی جامع‌نگر، با توجه به همه این متغیرها، نقشی ممتاز در مفهوم‌شناسی، فرایندها و ارزیابی کارآمدی این نظام و تحقق «حیات طیبه» به عنوان مقصد اصلی انقلاب اسلامی، ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: جامع‌نگر، حیات طیبه، جمهوری اسلامی، رهیافت سیستمی، کارآمدی.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی
alirezamohammadi_73@yahoo.com
Abdollah_ab@yahoo.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
khavaninzadeh@atu.ac.ir

۳. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

مقدمه

مدیریت مطلوب و کارآمد سیاسی همواره یکی از دغدغه‌های مهم اندیشمندان و نظام‌های سیاسی است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل نوپایی و فقدان تجربه مشابه در دوران معاصر، همانند سایر نظام‌های سیاسی با چالش و دغدغه کارآمدی مواجه است. هرچند این نظام به دلیل ماهیت دینی خویش، وظایف سنگین‌تری در قبال رشد و تعالی امت اسلامی داشته و بر آن است تا الگویی جدید و متناسب با نیازهای واقعی بشریت و تحقق حیات طیبه به دنیا معرفی کند. اهمیت این موضوع تا آنجاست که رهبر معظم انقلاب، مشروعیت مسئولین را وابسته به کارآمدی می‌داند: «مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۶/۳۱). این مهم، اولویت ارائه مدل‌های علمی در رابطه با کارآمدی نظام اسلامی را اقتضا می‌کند و بخش‌های فکری و نظریه‌پردازی کشور را به پژوهش‌های همه‌سونگر و روش‌مند و پویا در راستای تبیین علمی ابعاد مختلف نظام اسلامی و چگونگی بهبود وضع کارآمدی آن فرامی‌خواند.

با گذشت چهار دهه از حیات نظام ج.ا.ا.^۱ مطالعات مربوط به کارآمدی این نظام، همچنان در آغاز راه بوده و فاقد نگاهی جامع به همه عوامل و فرایندهای کارآمدی هستند. این موضوع، افزون بر کاستی‌ها و معضلات عینی، مشکلات مهمی را در سطوح مختلف نظریه‌پردازی و مدیریتی و فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی تا گزینشگری و ارزیابی، به دنبال داشته است. از منظر نظریه‌های کارآمدی، با اینکه در علوم اجتماعی استفاده از رویکرد سیستمی در تحلیل عملکرد نظام‌های سیاسی اهمیت و کارایی زیادی دارد، اما کاربرد این رهیافت و استفاده از ظرفیت‌های متنوع آن در تحلیل کارآمدی نظام ج.ا.ا، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است؛ بسیاری از تحقیقات انجام شده در جهت تبیین مسئله کارآمدی این نظام یا اساساً کاربرد رویکرد سیستمی را برنتابیده‌اند (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹۶؛ ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۱۷) یا تنها بر برخی فرایندهای نظام همانند تصمیم‌گیری متمرکز شده‌اند (نبوی، ۱۳۹۴: ۲۲۷) یا صرفاً به توضیح عناصر کارآمدی همانند بیان ویژگی‌های ساختار، کارگزار، رفتار یا کارکرد برخی عناصر نظام- همانند رهبری- به موضوع کارآمدی ج.ا.ا. پرداخته‌اند (کلانتری، ۱۳۹۳: ۴۷۱؛ قیصری، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

۱. مخفف جمهوری اسلامی ایران.

برخی پژوهش‌ها نیز صرفاً از زاویه‌ای خاص، نظیر آموزه‌های دینی (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۹۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۸۵) یا دیدگاه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۷؛ رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۵۱) یا با تمرکز بر برخی ابعاد نظریه سیستمی (موسوی و واعظی، ۱۳۹۲: ۷)، این موضوع را بررسی کرده‌اند.

از این رو، انتخاب مدلی علمی و جامع که ضمن استفاده از دستاوردهای علمی معاصر با ارزش‌ها و نیازهای کنونی نظام ج.ا.ا و جامعه اسلامی ایران همخوانی داشته و پاسخ‌گوی نیازهای مدیریتی کشورمان باشد، هدف پژوهش حاضر است و این پرسش را در کانون توجه خود قرار می‌دهد که: کاربرد رهیافت سیستمی جامع‌نگر در کارآمدی نظام ج.ا.ا، چه اهمیت و امتیازاتی دارد؟ در پاسخ، این فرضیه تحلیل و ارزیابی می‌شود که در نظام‌سازی و کنش‌های نظام سیاسی، مجموعه به‌هم پیوسته‌ای از اجزاء و عوامل مختلف، همچون ایده و مبانی معرفتی، ساختار، کارگزار، رفتار و نظام‌های پیرامونی، دخیل بوده و در تحقق اهداف نظام سیاسی مؤثرند. از این رو «از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر، تحقق کارآمدی نیازمند رویکردی جامع به همه عوامل و فرایندهای داخلی و محیطی نظام سیاسی است و توجه نظری و عملی به ظرفیت‌های این رویکرد در تحلیل و ارتقای کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نقشی ممتاز ایفا می‌نماید.» در این راستا پژوهش حاضر با توجه به نو بودن رهیافت سیستمی جامع‌نگر در تحلیل ابعاد مختلف کارآمدی نظام ج.ا.ا، ابتدا به تبیین ماهیت و چستی این رهیافت و شاخص‌های آن پرداخته و سپس مطابق مدل علمی انتخاب شده ابعاد مختلف کارآمدی در نظام ج.ا.ا، بررسی و امتیازات آن در مقایسه با نظریه‌های رقیب بیان می‌شوند. همچنین الزامات کاربردی آن در تحقق کارآمدی نظام ج.ا.ا، و وصول به حیات طیبه در مراحل مختلف واکاوی دقیق می‌شوند. از منظر روش‌شناسی نیز در این تحقیق برآنیم تا با گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات اسنادی و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نوع تحقیقات اسنادی و توصیفی تحلیلی و با اتخاذ روش سیستمی، تکمیل و بومی‌سازی آن با عنوان رهیافت سیستمی جامع‌نگر، به تبیین کارآمدی نظام ج.ا.ا بپردازیم.

مبانی نظری

الف - نظام سیاسی

کارآمدی سیاسی به نحوه عملکرد نظام سیاسی مربوط است و با ماهیت نظام، پیوندی عمیق دارد. این واقعیت در گام آغازین، شناخت صحیح نظام سیاسی و نحوه عملکرد آن را بر اساس

روشی علمی، اقتضا می‌کند. بر این اساس، ابتدا به بررسی ماهیت نظام سیاسی و نحوه فعالیت آن پرداخته و سپس ابعاد کارآمدی سیاسی توضیح داده می‌شود.

ماهیت نظام سیاسی

واژه نظام^۱ اشاره به مجموعه به هم وابسته‌ای از عناصر با کارویژه مخصوص به خود است که در تحقق اهداف و کارکرد مجموعه با هم مشارکت دارند (توکلی، ۱۳۸۳: ۴۸). نظام سیاسی^۲ نیز مجموعه‌ای از نهادها و ساختارهای به هم پیوسته است که توسط کارگزاران، کارویژه‌های خود را انجام داده و جامعه به وسیله آن اهداف جمعی خود را در سطح داخلی و بین‌المللی تعقیب می‌نماید (بلاندل، ۱۳۷۸: ۴۶-۳۲). این تعریف، ضمن بیان ماهیت نظام، به بخش‌های اصلی نظام سیاسی، یعنی ساختارها، کارگزاران، کارکردها و محیط داخلی و بین‌المللی، اشاره می‌نماید که در همه نظام‌های سیاسی مشترک‌اند. هرچند مسائلی همانند چرایی تأسیس نظام و دلایل تشکیل این ساختارها، شبکه و سلسله‌مراتب قدرت، مرکز تصمیم‌گیری، قلمرو اقتدار دولت و نحوه کاربست آن، کیفیت مواجهه با بازخوردها و نوع ارتباط با نظام‌های پیرامونی، تفاوت‌های اساسی نظام‌های سیاسی را به دنبال دارد که در وجوه چهارگانه ایدئولوژیکی و زیربنایی، ساختاری، کارگزاری و کارکردی، آشکار می‌گردد. به‌عنوان نمونه، فلسفه وجودی نظام ج.ا.ا، براساس معرفت‌شناسی توحیدی و حرکت در چارچوب اسلام، سعادت دنیوی و اخروی و تکامل حقیقی انسان می‌باشد و بدین خاطر تفاوت‌های زیادی در اهداف، ساختار، کارگزاران، کارویژه‌ها و روش‌های اجرایی با سایر نظام‌های سیاسی دارد (خواججه‌سروی، ۱۳۹۰: ۷۸ و ۱۳۳). صرف‌نظر از این تفاوت‌ها، ماهیت سیستماتیک و نظام‌واره‌ای نظام‌های سیاسی، اقتضای ارائه تبیینی جامع و کل‌نگر پیرامون همه عناصر، عوامل و ارتباطات دخیل در تحقق کارآمدی و ارزیابی آن را دارد. تحلیل‌های جزئی‌نگر یا تک‌بعدی به مثابه مثله کردن نظام سیاسی است، که از توانایی لازم در شناساندن ماهیت واقعی کارآمدی و تحقق عینی و ارزیابی آن برخوردار نبوده و چه بسا خود موانعی را در راستای وصول بدین اهداف فراهم سازد.

ب- رهیافت سیستمی جامع‌نگر

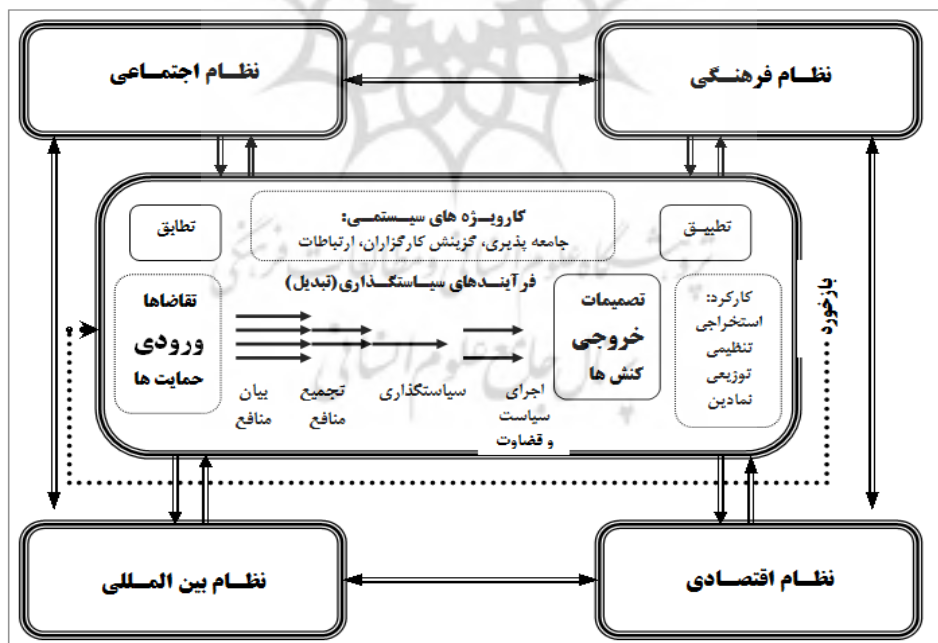
یکی از بهترین روش‌های علمی برای تحلیل و تبیین ماهیت و نحوه تکوین و عملکرد نظام‌های سیاسی، تحلیل سیستمی^۳ است. در این روش علمی، جامعه به عنوان بزرگ‌ترین واحد دارای

1. System

2. Political System

3. Systems Analysis

سیستم‌های متعددی است که با هم رابطه متقابل دارند و برای تفکیک و شناسایی نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی از یکدیگر مرزهایی ترسیم می‌شود. زمانی که از یک نظام یا سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بحث می‌شود، منظور کلیه متغیرهایی است که به هر کدام از این حوزه‌ها مربوط می‌شوند. متغیرهای هر سیستم می‌تواند ساختارها، کارکردها، بازیگران، ارزش‌ها، هنجارها، اهداف، دروندادها، برون‌دادها، پاسخ‌ها و بازخوران باشند (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۲۲۸). در تحلیل سیستمی، نظام سیاسی از سایر حوزه‌های حیات اجتماعی جدا می‌شود تا امکان مطالعه دقیق آن از نظر نحوه عملکردی و ارتباطات با محیط داخلی و خارجی فراهم آید. در این میان، نظام سیاسی، سیستمی است که از محیط پیرامون خود داده‌هایی می‌گیرد که عبارت‌اند از خواست‌ها و حمایت‌ها و سپس آن‌ها را به‌واسطه ساختارهای سیاسی کرده و به‌صورت بازده و تصمیمات الزام‌آور به محیط منتقل می‌کند؛ در نهایت، پیامدها و آثار این سیاست‌های الزام‌آور به‌واسطه فرایندهای اجتماعی پیچیده‌ای به درون سیستم سیاسی بازخورد می‌شوند (نمودار شماره ۱). ارتباط و وابستگی متقابل بین اجزا و محیط، کل‌گرایی، هدفمندی، فرایند، درونداد و برون‌داد، فرسایش، عقلانیت، قانون‌مندی و نظم، کارکرد، سلسله مراتب، تفکیک و تمایز، ازجمله ویژگی‌های این روش علمی است.



نمودار شماره ۱: سیستم سیاسی (منبع: برگرفته از؛ چیلکوت، ۱۳۷۸: ۲۶۵. با اضافات)

مطابق نمودار فوق، نظام‌های پیرامونی سیستم سیاسی به نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی مرزبندی می‌شوند. ۱- نظام فرهنگی؛ مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای منسجم و مرتبط باهم که بر مبنای خاص معرفتی استوار بوده و دارای آثار و کارکرد جمعی‌اند؛ ۲- نظام اجتماعی؛ ساختار سازمانی و نهادی اجتماعی که کارکردشان ایجاد یکپارچگی و حفظ همبستگی و هماهنگی عناصر سازنده جامعه است؛ نظیر نهاد خانواده و نهادهای آموزشی و احزاب؛ ۳- نظام اقتصادی؛ ساخت سازمانی و نهادی اقتصاد، شامل ماهیت مالکیت و کنترل منابع که از طریق آن، خدمات و کالاها تولید، توزیع و مصرف می‌شوند؛ ۴- نظام بین‌المللی؛ مجموعه‌ای از دولت‌ها و سازمان‌ها و بازیگران بین‌المللی که با یکدیگر دارای رفتار متقابل بوده و بستگی به شرایط و نوع روابط، از یکدیگر تأثیر پذیرفته و تأثیر می‌گذارند (آقا بخشی و افشاری، ۱۳۸۳: ۳۳۷). از میان نظام‌های چهارگانه فوق، نظام فرهنگی در بالاترین جایگاه از نظر تأثیرگذاری بر سایر نظام‌ها، از جمله نظام سیاسی، قرار دارد؛ به این معنا که سایر نظام‌ها، الگوهای رفتاری و هنجاری خود را از آن می‌گیرند و نظم و ترتیبات خود را بر اساس اطلاعات صادر شده از سوی او تنظیم می‌کنند.

همچنین ترسیم‌کننده ارتباط متقابل نظام سیاسی با سایر نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی است. نظام سیاسی از یک‌سو در تکوین ماهیت، اهداف، جهت‌گیری‌ها، ساختارها، مدل انتخاب حاکمان و روش‌های مدیریتی حتی درون‌دادهای خویش، مانند تقاضاها و حمایت‌ها، از این نظام‌ها تأثیر پذیرفته و از سوی دیگر با اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست‌ها، در صدد تأثیرگذاری بر این نظام‌های پیرامونی است. به عنوان نمونه، ماهیت و جهت‌گیری‌ها، ساختارها، شرایط حاکمان و روش‌های مدیریتی نظام ج.ا.ا. برخواسته از نظام فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران است و از دیگر سو از دستاوردها مثبت بشری در چارچوب عقلانیت دینی و اقتضانات نظام بین‌المللی نیز در ترسیم این قضایا بهره می‌جوید. از دیگر سو تأثیرگذاری بر نظام‌های پیرامون، اعم از داخلی و خارجی، در راستای وصول به آرمان‌های خویش، چون حیات طیبه و تحقق تمدن ایرانی اسلامی و تعقیب اهداف سیاست خارجی، از جمله کارویژه‌های این نظام سیاسی است.

افزون بر ارتباطات فوق، انجام بهینه کارویژه‌های نظام سیاسی نیز نقش مهمی در پویایی و بالندگی و کارآمدی نظام‌های سیاسی دارد. مطابق تحلیل سیستمی، این کارویژه‌ها عبارت‌اند از: تبدیل و تطبیق و تطابق با این توضیح که:

الف- در عمل تبدیل، خواسته‌ها از طریق بیان منافع صورت‌بندی و از طریق تلفیق منافع با هم ادغام شده و با سه کارکرد وضع قانون و اجرای قانون و قضاوت محقق می‌شوند؛

ب- در عمل تطبیق، نظام سیاسی خود را با تحولات محیط، هماهنگ نموده تا در مقابل ورودی‌ها، از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد؛

ج- در عمل تطابق، نظام سیاسی با همراه ساختن محیط پیرامون با خود، در راستای تحقق اهداف تلاش نموده و از ایجاد فاصله بین نظام سیاسی و پیرامون داخلی و بین‌المللی جلوگیری می‌نماید (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۸۰).

همچنین نظام‌های سیاسی در ارتباط با محیط خود از قابلیت‌ها و کارکردهای مختلفی برخوردارند؛ ۱. استخراجی: امکان کشف منابع لازم را برای تحقق اهداف فراهم می‌آورد؛ ۲. توزیعی: که ناظر به توزیع کالاها، خدمات آموزشی، بهداشتی، تفریحی، افتخارات و قدرت در سطح جامعه است؛ ۳. تنظیمی: برای ضابطه‌مند کردن رفتار مردم و برقراری نظم و نظارت است؛ ۴. نمادین و سمبلیک: با نشر نمادهای ارزشی و اعتقادی، کسب حمایت از تصمیمات نظام سیاسی را ممکن می‌کند؛ ۵. پاسخ‌گویی: که درجه حساسیت نظام و مهارت آن در ارضای تقاضا را نشان می‌دهد (بدیع، ۱۳۷۹: ۵۸-۵۵). به عنوان نمونه، جوامع مردم‌سالار توانایی پاسخ‌گویی بیشتری در ارضای تقاضاها دارند، اما در مقابل، جوامع توتالیتر پاسخ‌گویی کمتری در برابر به تقاضاها دارند.

توجه به ارتباطات و کارویژه‌های فوق در تحقق کارآمدی اهمیت بالایی برخوردار است؛ تا آنجا که برخی اندیشمندان، سودمندی و توانایی و توفیق نظام سیاسی برای تولید کالاها و سیاسی مطلوب و مورد نیاز مردم را «کارآمدی سیاسی» یا کارآمدی نظام سیاسی می‌نامند (Almond, 1978: 392-42). بدین گونه، سیستم سیاسی جهت تداوم و بالندگی لازم است افزون بر توجه به سایر نظام‌های پیرامونی در تنظیم ساختارها و جهت‌گیری‌های خویش، از توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی جامعه، انطباق و سازگاری، تعادل‌گرایی، توان‌های بالقوه برای افزایش ظرفیت، انعطاف، انقباض و انبساط‌پذیری، کنترل، توان تکثیر و ترمیم، ارتباطات سیاسی و جزء‌گرایی سیستماتیک، استقلال عمل هر جزء در ایفای نقش رسمی و قانونی، برخوردار باشد. بر این اساس، رهیافت سیستمی جامع‌نگر در تبیین ماهیت کارآمدی سیاسی، به همه اجزا و عوامل دخیل در تکوین نظام سیاسی و فرایندهای عملکردی و نحوه تعاملات آن در محیط داخلی و پیرامونی توجه داشته و خود را به برخی ابعاد و فرایندهای آن محدود نمی‌کند.

ج- ابعاد کارآمدی

کارآمدی نظام سیاسی دارای ابعاد متعدد و پیچیده‌ای است که هر کدام نیازمند تفکیک و توضیح هستند (نمودار شماره ۲) که عبارت‌اند از: ۱. بیان ماهیت کارآمدی و مفهوم‌شناسی آن؛ ۲. عوامل موثر بر کارآمدی؛ ۳. چگونگی و فرایندهای تحقق آن؛ ۴. ارزیابی کارآمدی. تفکیک نکردن میان این وجوه، فقدان شناخت و تحقق صحیح کارآمدی در مقام نظر و عمل را به دنبال خواهد داشت.



نمودار ش ۲: ابعاد کارآمدی (منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر)

مفهوم‌شناسی کارآمدی

کارآمدی^۱ در زبان فارسی به معنای تأثیر، سودمندی، کارایی و فایده است (جعفری، ۱۳۷۷: ۹۶) و در اصطلاحات سیاسی به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنی شده است (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۴۴۹). در علم سیاست، کارآمدی به عنوان وجهه عملکردی نظام سیاسی، با انجام موفقیت‌آمیز کارویژه‌ها و تحقق اهداف سیستم سیاسی در پیوند است (آلموند و پاول، ۱۳۸۱: ۵-۶) و «نظام سیاسی آنگاه کارایی دارد که بتواند وظیفه‌هایی را که بیشترین مردم یا حکومت شوندگان از آن متوقع‌اند، انجام دهد» (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ۲۴۷). بدین گونه، در علم سیاست کارآمدی یا کارایی بیانگر توانایی اداره یک کشور توسط مدیران شایسته و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایت‌مندی مردم است.

1. Effectiveness/ Efficiency

برخی تعاریف نیز افزون بر قابلیت نظام سیاسی، به مبانی ارزشی، ساختارها و رفتارهای آن در وصول به اهداف خویش اشاره و بین کارآمدی حکومت با باورها و ارزش‌های اعتقادی مقبول شهروندان ارتباط برقرار می‌نماید (کلانتری، ۱۳۹۳: ۴۷۱). وجوه سه‌گانه فوق ممکن است در زمره امکانات نظام سیاسی شمرده شوند. همچنین، هر حکومتی در جهت نیل به اهداف خویش با موانع داخلی و خارجی مواجه بوده که کارآمدی آن در گرو فائق آمدن بر این موانع است. بالاخره با توجه به این واقعیت که هر نظامی اهداف، امکانات و موانع خاصی داشته که در شرایط گوناگون تغییر می‌یابد، کارآمدی موضوعی نسبی بوده و معیار مطلق برای تحقق و سنجش کارآمدی نظام‌های سیاسی تعیین نمی‌شود.

در یک جمع‌بندی در قالب رهیافت سیستمی جامع‌نگر، به نظر می‌رسد که کارآمدی نظام ج.ا.ا با مسئله «توانایی آن در نظام‌سازی مبتنی بر عوامل ایده‌ای، ساختاری، کارگزاری و رفتاری به منظور بسیج منابع در جهت تشخیص صحیح و انجام موفقیت‌آمیز کارویژه‌های داخلی و پیرامونی حکومت در راستای نیل به حیات طیبه» مرتبط است.

عناصر و سازوکارهای کارآمدی

در ارتباط با عناصر و سازوکارهای دخیل در کارآمدی نظام‌های سیاسی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از منظری، عناصری سه‌گانه: «اهداف، امکانات و موانع» برای کارآمدی وجود دارد (فتحعلی، ۱۳۸۳: ۲۳۰). بدیهی است این دسته‌بندی به دلیل کلیت، در تبیین دقیق و شفاف عناصر کارآمدی مبهم و نارساست؛ اما نگاهی دقیق‌تر، عناصر و سطوح چهارگانه «اندیشه‌ای و بینشی، ساختاری، کارگزاری و رفتاری» حکومت را کانون توجه خویش قرار می‌دهد (قیصری، ۱۳۹۴: ۱۳۵). در هر کدام از تبیین‌های مذکور، با طیف وسیعی از عناصر ذکر شده مواجه‌ایم که تابعی از ماهیت نظام‌های سیاسی هستند. جهت شناخت مختصات عناصر کارآمدی در هر نظام سیاسی نیز منابع متعددی وجود دارد که قانون اساسی آن کشور مهم‌ترین این منابع است. در ادامه به تحلیل عوامل چهارگانه کارآمدی از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر در ارتباط با نظام ج.ا.ا می‌پردازیم.

۱. اندیشه بنیادین: اولین عامل حیاتی در کارآمدی، از زاویه پارادایم معرفتی و باورهای اعتقادی مقبول آن جامعه است. نظام‌های سیاسی بر اساس بنیان‌های نظری تأسیس می‌شوند که ریشه در باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی آن جوامع دارد. تا آنجا که تعبیر

و تفسیر سیاست ملی و بین‌المللی با آرمان‌ها، ارزش‌ها و تمایلات آمیخته است (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۷۲). بدیهی است این موضوع از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نقش مهمی در مقبولیت، مشروعیت، کارآمدی و تداوم حکومت‌ها دارد و میزان خردپذیری و حقانیت و تناسب این باورها با واقعیات هستی نیز نقشی مهم در تحقق کارآمدی یا ناکارآمدی ایفا می‌نماید (مرتضوی، ۱۳۷۸: ۷).
 فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بحران‌های لیبرال‌دموکراسی در این راستا ارزیابی می‌شوند.

از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر، ایده‌های بنیادین، در اثر ارتباط با نظام‌های پیرامونی، نظام فرهنگی، اجتماعی، بین‌المللی و اقتصادی، شکل گرفته و از کارکردهای مهمی در نظام سیاسی برخوردارند؛ همانند تأسیس دولت و تدوین ساختارهای حقوقی آن، تعیین اهداف و آرمان‌ها، جهت‌گیری‌ها، استراتژی‌ها، برنامه‌ریزی، رفتار و روش‌های اجرایی، تعیین نقش‌ها و کارگزاران، انسجام و همبستگی اجتماعی، تأثیر بر امکانات و موانع.

با توجه به اهمیت و کاربردهای متعدد اندیشه بنیادین در مشروعیت و کارآمدی، نظام ج.ا.ا بر پایه اعتقاد مستحکم اکثریت جامعه ایران به دین اسلام و مذهب اثنی‌عشری و اصول و مبانی اعتقادی آن، توحید، حاکمیت الهی، معاد، عدل، امامت و کرامت انسانی، بنیان گذاشته شده است (قانون اساسی، اصل دوم)

این قبیل مبانی اعتقادی و سایر اصول بنیادین قانون اساسی ج.ا.ا، همانند حاکمیت الهی مردمی (قانون اساسی، اصل پنجاه و ششم)، تعیین اهداف و وظایف داخلی و خارجی نظام (قانون اساسی، اصل سوم)، ابتدای قوانین بر اساس موازین اسلامی (قانون اساسی، اصل چهارم)، تعیین حقوق ملت (قانون اساسی، اصل‌های نوزدهم و چهل و دوم)، جهت‌گیری‌های اقتصادی (اصول ۴۳ تا ۵۵ قانون اساسی)، علاوه بر مشروعیت بخشی به ساختارها، کارگزاران و رفتارها نیز با معضل‌گشایی و بن بست‌شکنی، طرد ایدئولوژی‌های رقیب، افق‌گشایی، ظرفیت‌سازی و ارتقای موقعیت نظام سیاسی در کارآمدی نظام‌های سیاسی مؤثرند (قیصری، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

غایت قصوای جهت‌گیری‌های فوق، وصول به حیات طیبه است که منشأ قرآنی دارد: *مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً* (سوره نحل، آیه ۹۷)؛ چنین جامعه‌ای از افکار غلط و بیگانه پاک شده و جهان‌بینی واقع‌نگر توحیدی را در کانون معرفت‌شناسی، برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی جامعه می‌آورد. در این راستا، آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین حیات طیبه به

۱. هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.

عنوان هدف و آرمان اصلی ج.ا.ا می‌فرماید: «حیات طیبه یعنی همه این چیزهایی که بشر برای بهزیستی خود، برای سعادت خود به آنها احتیاج دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵) که شامل عزت و استقلال ملی و علمی و اقتصادی در کنار شکوفایی اخلاقی و معنویت است که حکومت اسلامی موظف به تحقق آنهاست (نمودار ۵).

بدین گونه، نظام سیاسی با اتکا بر اندیشه‌های بنیادین حاصل از نظام‌های پیرامونی سیستم، ضمن تعیین ساختارها، اهداف و جهت‌گیری‌ها، کارگزاران و روندهای اجرایی، می‌تواند در مواجهه با معضلات نظری و عملی از ظرفیت پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه برخوردار و کارآمدی خود را اثبات نماید.

۲. ساختارهای مناسب: نحوه اعمال حاکمیت، اسکلت‌بندی نظام و دولت، چگونگی توزیع قدرت و چینش ارکان آن همه بیانگر ساختار حکومت است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۲۴) و ساماندهی این ساختار بر اساس هندسه‌ای منظم و هدفمند و برخوردار از ابزارهای لازم برای برنامه‌ریزی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، نقشی بسیار مهم در کارآمدی نظام‌های سیاسی ایفا می‌کند.

از منظر نظریه سیستمی، ساختارها دارای ویژگی‌های مهمی همانند تناسب و ابتنای بر اندیشه بنیادین، طراحی در راستای تحقق اهداف سیستم، انعطاف‌پذیری و پیش‌بینی تغییرات، تفکیک اجزاء، تقسیم کار و تعیین محدوده فعالیت کارگزاران، می‌باشند (های، ۱۳۸۵: ۵۱)؛ از این رو، در ج.ا.ا نحوه تکوین و عملکرد ساختارها و توزیع قدرت، ناشی از مبانی حاکمیت در این نوع نظام سیاسی است که مبدأ و منشأ حاکمیت‌ها را خداوند متعال دانسته و حاکمیت ملی در طول آن قرار می‌گیرد (قانون اساسی، اصل پنجاه‌وششم). قانون اساسی، ریاست جامعه اسلامی را بر عهده ولایت امر و امامت امت قرار داده (قانون اساسی، اصل پنجم)؛ این مقام، افزون بر خاستگاه الهی و دینی، منتخب غیرمستقیم مردم می‌باشد که نتیجه منطقی حاکمیت خدا و حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۲۶۳ و ۲۹۱).

همچنین سیستم سیاسی در تنظیم روابط میان ساختارها و اجزای درونی آنها، نیازمند تفکیک اجزاء و تقسیم کار می‌باشد. تا ضمن تعیین وظایف هر کدام از ساختارها و کارگزاران، انجام امور سیستمی به صورت تخصصی انجام شده و نوعی کنترل ساختاری قدرت در جهت حفظ سلامت نظام و ارتقای کارآمدی آن فراهم آید (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۳: ۳۰۲). در عین حال، سیستم افزون بر تفکیک نیازمند تعادل نیز می‌باشد. لذا در ساختار حقوقی ج.ا.ا قوه دیگری به نام قوه

تعدیل، ولایت فقیه، لحاظ شده (قانون اساسی، اصل پنجاه و هفتم) تا تعادل سه قوه را حفظ نماید (مدنی، ۱۳۷۶: ۱۲۸). در تعیین ساختار اقتصادی نیز، با توجه به مبانی دینی، اهداف نظام و نیازهای سیستمی و تجارب بشری، نظام اقتصادی ج.ا.ا بر پایه سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی استوار شده است (قانون اساسی، اصل چهل و چهارم).

از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر، دو شرط مهم ساختار کارآمد را می‌توان اتقان و انعطاف پذیری برشمرد. در غیر این صورت، سیستم دچار فروپاشی و بحران می‌شود. در نظام ج.ا.ا اتقان و ثبات نظام سیاسی بر سه رکن تغییرناپذیر اسلام و مردم و رهبری دینی استوار است (قانون اساسی، اصل پنجاه و هفتم). در عین حال، از آنجا که سیستم سیاسی جهت کارآمدی و بالندگی نیازمند انطباق با شرایط متغیر محیطی و تحولات زمانه است، سازوکارهای مناسب در جهت پاسخ‌گویی به این نیاز سیستمی، در اصل ۱۷۷ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در خصوص موضوع هندسه نظام و نوسازی آن بیان می‌دارند: «اگر یک روزی احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است، هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی‌کند و از این قبیل.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴) که البته هرگونه تغییرات ساختاری نیازمند مطالعات تخصصی، کارشناسانه و استفاده از تجارب سایر نظام‌ها در چارچوب اصول و اندیشه بنیادین نظام و اهداف آن، آینده‌نگری، هماهنگی و هم‌افزایی ساختار جدید با دیگر ساختارهای سیستم موجود است.

۳. کارگزاران شایسته: وجود مدیران ذی‌صلاح در موقعیت‌ها و ساختارهای حکومت از دیگر عوامل مهم در تحقق کارآمدی نظام‌های سیاسی است؛ زیرا «هیچ عنصری نمی‌تواند جایگزین "شخصیت" مدیر گردد و این امر در همه سطوح جاری است. بین بودن یا نبودن رهبری لایق، تفاوت بسیار است؛ حتی اگر بهترین نظام‌های مملکت داری وجود داشته باشد» (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۷۷). شایستگی و صلاحیت کارگزاران با اندیشه‌های بنیادین، اهداف نظام، نوع جایگاه و نقش‌ها در درون ساختارها مرتبط است و همه مدیران جهت انجام بهینه کارویژه‌های خود، لازم است از مهارت‌های مختلف مدیریتی همانند مهارت‌های فنی و تکنیکی، انسانی، ادراکی یا تفهیمی، و شناختی برخوردار باشند (حقیقی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). هرچند خصوصیت و میزان هر کدام از این مهارت‌ها بسته به نوع نظام سیاسی و سلسله‌مراتب سازمانی دارد؛ چنانکه در نظام اسلامی، ابعاد اعتقادی و بینشی، دانشی و رفتاری، نظیر ایمان، اسلام‌شناسی عدالت، تقوا، تدبیر و کفایت، در مهارت‌ها پیش گفته از جایگاه مهمی برخوردار است. بر این اساس در قانون اساسی ج.ا.ا «ولایت امر و

امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر» است (قانون اساسی، اصل‌های پنجم و صدونهم) و «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» (قانون اساسی، اصل صدوپانزدهم) و رئیس قوه قضائیه نیز لازم است «مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر» باشد (قانون اساسی، اصل صدوپنجاه و هفتم). سایر کارگزاران نیز لازم است حد نصابی از مهارت‌های فوق را بسته به جایگاه و نقش خود داشته باشند.

از این دیدگاه، ضرورت واجدیت چنین صلاحیت‌هایی افزون بر اقتضای اندیشه‌های بنیادین نظام، کارویژه‌ها و اهداف آن و ضرورت واجد تعهد بودن در کنار تخصص، انگیزه‌های فعالیت و تلاش کارگزاران را جهت انجام بهینه کارویژه‌های سیستمی، مضاعف نموده و در کنار سازوکارهای نظارت بیرونی، موجبات نظارت درونی و سلامت بیشتر سیستم سیاسی را فراهم می‌آورد.

۴. رفتار مناسب: منظور از رفتار، اقدام و عمل نظام سیاسی در تحقق عینی اهداف خود در محیط داخلی و خارجی است. اهمیت این عامل در کارآمدی تا آنجاست که «هرآنچه در باب کارآمدی حکومت می‌گوییم، باید به ماهیت عمل معقول [یا کار درست و عمل صالح] مربوط شود» (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۵۰) و در حقیقت، عینی‌ترین سطح کارآمدی را تشکیل داده و مبنای قضاوت شهروندان پیرامون کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام سیاسی است. اگر حکومتی در ابعاد اندیشه‌ای، ساختاری و کارگزاری مدعی کمال و کارآمدی است، باید این ادعا را با اجرای صحیح، کارشناسانه، مدبرانه و قاطعانه برنامه‌هایش در جهت وصول به اهداف خود اثبات کند تا کارآمد تلقی شود.

از زاویه رهیافت سیستمی جامع‌نگر، نظام اسلامی زمانی در تحقق حیات طیبه کارآمد است که از حُسن فاعلی و فعلی به صورت توأمان برخوردار باشد؛ یعنی کارگزاران آن افزون بر واجدیت ایمان، اخلاص علم و تخصص و فقه سیاسی، یعنی زمان‌شناسی و وظیفه‌شناسی، هدف‌شناسی و جهت‌شناسی، رفتار آنها نیز مطابق با ارزش‌ها و احکام اسلامی باشد. در این صورت خداوند وعده داده (سوره نور، آیه ۵۵) که با نور هدایت، مغفرت، رزق کریم، پاداش دائمی، اصلاح امور و دور کردن خسارت‌ها، کارگزاران مؤمن و صالح را یاری و اعمال آنها را به نتیجه مطلوب و سرمنزل مقصود و اهداف تعیین شده برساند؛ یعنی کارآمدی به نظام اسلامی و کارگزاران آن عطا فرماید (نبوی، ۱۳۹۴: ۹۸-۹۶).

بر این اساس، ج.ا.ا اهمیت ویژه‌ای برای تحقق عینی کارآمدی، در کنار ابعاد ایده‌ای، ساختاری و کارگزاری آن، داشته و بنیان‌گذار ج.ا.ا کارآمدی نظام اسلامی را متوقف بر تحقق عینی همه ابعاد دین مبین اسلام و فقه امامیه می‌داند «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۹)؛ از این رو، قانون اساسی ج.ا.ا مکانیسم‌های عملیاتی اهداف خویش را در مورد هر اصل یا نهاد، بیان می‌کند؛ به عنوان نمونه پس از بیان اصول اعتقادی نظام، راهکارهای اجرایی آن را نیز از طریق اجتهاد مستمر فقها، استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی بیان می‌دارد (قانون اساسی، اصل دوم) و در عمل نیز نتایج عینی ارزشمندی همانند ارائه الگوی مردم‌سالاری دین و تثبیت آن، نهادینه نمودن مشارکت سیاسی مردم، حفظ تمامیت ارضی، تأمین امنیت پایدار، توجه به عدالت اجتماعی و محرومیت‌زدایی، تلاش برای کسب استقلال و پیشرفت بر اساس الگوی ایرانی-اسلامی، پیشرفت‌های علمی و فنی با تلاش بی‌وقفه کارگزاران و تعامل بخش‌های مختلف جامعه داشته است (محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱). هر چند تا حصول همه‌جانبه آرمان‌های انقلاب اسلامی و اهداف نظام، راهی طولانی در پیش است.

از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر، کارآمدی در حوزه رفتار به معنای کنش و واکنش‌های به موقع و کارشناسانه بخش‌های مختلف حکومت در راستای اصول و اندیشه بنیادین، اهداف و کارویژه‌ها و برنامه‌های نظام سیاسی در فرایندهای تبدیل و تطبیق و تطابق است (نمودار ۳).



نمودار ۳: رفتار کارآمد (منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر)

فرایند کارآمدی

این فرایند^۱ بیانگر روند و مراحل مجموعه‌ای از پدیده‌های به هم پیوسته در حال تطور می‌باشد (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۵۴۵). در کارآمدی با روندی از پدیده‌های مرتبط مواجهیم که عملکرد موفقیت‌آمیز آن‌ها تأمین‌کننده کارآمدی کل سیستم است. کارآمدی سیاسی امری است مجموعی که از حاصل جمع (جبری) کارآمدی اجزاء و مراحل نظام حاصل می‌شود و مرحله آغازین آن نظام‌سازی است؛ «ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار بین اجزای یک مجموعه که کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به سوی هدف را موجب شود» (نبوی، ۱۳۵۷: ۱۳).

در این دیدگاه، نظام‌سازی دینی کارآمد با اندیشه بنیادین و اهداف سیستم مرتبط بوده و لازم است از ویژگی‌هایی همچون تفسیری واقع‌گرایانه از هستی و ابعاد آن، هماهنگی و سازگاری با استعدادها، غرایز و نیازهای بشری، معیارهای اخلاقی و معنوی و ایجاد توازن میان مصالح شخصی و عمومی انسان‌ها برخوردار باشد (صدر، ۱۴۰۱: ۸۸). تحقق چنین نظامی در جهت وصول به حیات طیبه، افزون بر استفاده از آموزه‌های اصیل وحیانی، ساختارهای معقول و متناسب با تجارب مثبت بشری، مقتضیات زمان و مکان، و پذیرش مردمی را می‌طلبد. چنان‌که امام خمینی (ره) در قالب نظام جمهوری اسلامی آن را طراحی کرد و با پذیرش مردمی و تدوین قانون اساسی، ساختارها، ارکان و روش‌های مدیریتی آن رسمیت یافته و تثبیت شد.

گام دوم در فرایندهای کارآمدی، مربوط به بررسی مراحل و عملکردهای سیستم در ارتباط با درون و پیرامون خویش است. همانند مرحله تبدیل ورودی‌های سیستم به خروجی‌های مناسب با سیاست‌گذاری، اجرا و قضاوت، مرحله تطبیق با شرایط محیطی و مرحله تطابق در راستای تأثیرگذاری بر محیط پیرامون. حصول کارآمدی در این فرایندهای سیستمی نیز منوط به رعایت عوامل چهارگانه (اندیشه‌ای، ساختاری، کارگزاری و رفتاری) است.

در ج.ا. نیز به کارآمدی سیستم در سطح فرایندی با استفاده از تجارب مدیریتی جوامع پیشرفته و در چارچوب آموزه‌های اسلامی توجه شده است و الگویی اختصاصی از فرایندهای سیستمی ارائه می‌نماید. به عنوان نمونه، مراحل فرایند قانون‌گذاری به صورت خاص بر اساس قانون اساسی عبارتند از: ۱. ارائه طرح از سوی نمایندگان یا لایحه توسط دولت یا شورای عالی استان‌ها (قانون اساسی، اصل صدودوم) به مجلس (اساسی، اصل‌های هفتادوپنجم و هفتادوچهارم و صدودوم)؛ ۲. بررسی و تصویب در مجلس شورای اسلامی (قانون اساسی، اصل هفتادویکم)؛ ۳. نظارت شورای نگهبان از

لحاظ انطباق با موازین اسلامی و قانون اساسی (قانون اساسی، اصل نود و چهارم)؛ ۴. مجمع تشخیص مصلحت در صورت اختلاف مجلس و شورای نگهبان (قانون اساسی، اصل صد و دوازدهم).
 در فرایند فوق برخلاف نظام‌های متمرکز، قانون‌گذاری حاصل تعامل اجزای مختلف سیستم با هم و محیط پیرامونی است که در کارآمدی نظام حائز اهمیت است. در چارچوب رهیافت سیستمی جامع‌نگر، فرایند مزبور دارای امتیازاتی است: ۱. توجه به نیازهای سیستم در قسمت ورودی؛ ۲. انطباق نظام با شرایط و نیازهای جدید محیط پیرامونی؛ ۳. تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی با وضع قانون؛ ۴. توجه به تفکیک نقش‌ها در تعامل با سایر ساختارها؛ ۵. توجه به ثبات نظام و صیانت از اصول بنیادین آن با نظارت شورای نگهبان. هرچند از منظر آسیب‌شناسی، به صورت کلی سیاست‌گذاری عمومی در ایران از کاستی‌هایی رنج می‌برد همانند: ا. عدم برخورداری سیاست‌گذاری‌ها از پشتوانه‌های نظری مناسب؛ ب. کلی‌گویی؛ ج. نبود توجه به شیوه‌های اجرایی (قریب، ۱۳۹۰: ۳۵). همچنین در سایر فرایندهای نظام ج.ا.ا. در ارتباط با محیط داخلی و خارجی نیز می‌توان از رهیافت سیستمی برای شناخت عوامل موثر تحلیل و ارزیابی عملکردها بهره برد (دهقانی، ۱۳۹۲: ۶۹).

ارزیابی کارآمدی

جهت ارزیابی و سنجش کارآمدی نظام‌های سیاسی می‌توان از دو طریق نظریه‌ها (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹۵-۷۷) و شاخص‌هایی که در این خصوص ارائه شده‌اند بهره جست. در ادامه به اختصار بررسی تطبیقی میان مدل‌های رایج پیرامون کارآمدی داشته و ضمن بیان تفاوت‌ها و کاستی‌های این نظریات، ترجیحات کاربری رهیافت سیستمی جامع‌نگر در تبیین ابعاد مختلف کارآمدی نظام ج.ا.ا. و ارزیابی آن ارائه و سپس شاخص‌های کارآمدی از منظر رهیافت مذکور در جهت تحقق حیات طیبه به عنوان هدف نهایی نظام ج.ا.ا. بیان خواهد شد.

نظریه‌های کارآمدی

۱. نظریه توفیق: این رویکرد، ملاک کارآمدی را رسیدن به توفیقات نهایی و اهداف می‌داند. فارغ از اینکه ابزارها و روش‌های نیل به اهداف، کدام‌اند و چگونه به دست آمده‌اند. نقد و بررسی: این نظریه دارای کاستی‌های متعددی است - همانند عدم تعیین اهداف نظام، مجاز دانستن هر روش و ابزاری در جهت نیل به اهداف، فقدان توجه به ایده بنیادین، نوع ساختار و کارگزار، شیوه حکومت‌داری و نحوه ارتباط با نظام‌های پیرامونی - و در ارائه راهکارهای علمی کارآمدی، تحقق و ارزیابی آن، در ارتباط با نظام ج.ا.ا. ناتوان می‌باشد. این در حالی است که در

رهیافت سیستمی جامع‌نگر ضمن تأکید بر توفیقات نهایی نظام اسلامی متناسب با شاخص‌های حیات طیبه (نمودار ۵) چنین اشکالاتی وجود ندارد؛ از یک سو اهداف و شاخص‌ها مطابق با ایده بنیادین و در ارتباط با نظام‌های پیرامونی قابل شناسایی و ارزیابی است و از دیگر سو ایده بنیادین در نظام ج.ا.ا تبیین‌کننده روش‌های تقنینی، اجرایی و نحوه روابط با نظام‌های پیرامونی نیز می‌باشد.

۲. نظریه رضایت: این نظریه معتقد است که رضایت مردم یا طبقه و قشر خاصی که از اهمیت و تأثیر برخوردارند، مثلاً نخبگان یا خواص، ملاک سنجش کارآمدی قرار می‌گیرد.

نقد و بررسی: این نظریه نیز ایرادات زیادی دارد- از قبیل تعیین نکردن شاخص‌ها و راهکارهای تحقق رضایت، نحوه سنجش میزان رضایت‌مندی، تداخل و تضاد رضایت‌گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه، و سایر اشکالاتی که در بررسی نظریه توفیق بیان گردید- از این رو این تئوری نیز در مقام نظر و عمل با کاستی‌های فراوانی مواجه است. اما رهیافت سیستمی جامع‌نگر ضمن پذیرش ضرورت تأمین رضایت‌مندی مردم و ترجیح آن بر رضایت صاحبان قدرت، شاخص‌ها و راهکارهای کسب آن را متناسب با حیات طیبه معین می‌نماید.

۳. نظریه عملی کارآمدی: از این منظر، با در نظر گرفتن سه رکن، فهم عامل از وضع موجود، فهم عامل از وضعیت مراد و برنامه عمل برای رسیدن به وضع مراد، برای هر عمل ارادی می‌توان نسبت به ارزیابی کارآمدی اقدام نمود (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۵۱).

نقد و بررسی: دیدگاه فوق با اینکه نسبت به دو نظریه توفیق و رضایت در حوزه عملکردی نظام سیاسی، از نگاه دقیق‌تری برخوردار بوده و به ارائه تجزیه و تحلیل ساده درباره مراحل منطقی یک اقدام ارادی می‌پردازد، در عین حال همچنان دچار سایر اشکالات آن دو نظریه است و معیاری معین برای سنجش کارآمدی نیز ارائه نمی‌دهد. زیرا در حقیقت سه رکن این نظریه لازمه تحقق کارآمدی است، نه معیار سنجش آن. اما در رهیافت سیستمی جامع‌نگر، نه تنها نظام سیاسی باید با شناخت کارشناسانه وضع موجود داخلی و پیرامونی نظام و برنامه‌ریزی علمی و بسیج همه بخش‌های سیستم، وضعیت مراد و اهداف نظام را تعقیب کند، بلکه لازم است در این راستا از ساختارها، کارگزاران و روش‌های رفتاری مناسب با مبانی و ارزش‌های بنیادین خویش نیز استفاده، نقش‌ها و کارویژه‌ها و روابط مختلف سیستم را به بهترین وجهی در راستای تحقق شاخص‌های حیات طیبه ترسیم نماید.

۴. نظریه تکلیف‌مداری: در این قالب، کارآمدی نظام با میزان تعهد و التزام حکومت به تکالیف مورد نظر جامعه سنجیده می‌شود و هر مقدار که حکومت‌کنندگان به تکالیفی که از یک

منبع فرابشری گرفته‌اند بیشتر عمل کنند، کارآمدتر تلقی می‌شوند (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۲۳).

نقد و بررسی: این نظریه اگرچه با توجه به اتکای آن به منبع فرا بشری - در صورت ابتدای بر آموزه‌های اصیل و حیانی، و ایجاد انگیزه مضاعف در حکومت‌داران - دارای امتیازاتی است؛ اما در عرصه نظر و عمل با کاستی‌های متعددی در تحقق و ارزیابی کارآمدی مواجه است. از جمله اینکه درباره تکلیف‌گرایی، دیدگاه‌های مختلف کلامی، عرفانی و فقهی وجود دارد و در برداشت‌هایی همانند عرفان صوفیانه یا فقه اخباری، به همه ابعاد دین و اجتهاد، کارشناسی، تدبیر، عقلانیت، مقتضیات زمان و مکان در برنامه‌ریزی و تعیین تکلیف توجه نمی‌شود و راهکارهای اجرایی آن نیز چندان مشخص نیست. از این رو برخی پژوهشگرانی که در کارآمدی نظام ج.ا.ا. سراغ این نظریه رفته‌اند، نظریه‌ای ترکیبی با محوریت انجام تکلیف را طراحی و تلاش نموده‌اند با تمسک به نکات مثبت سایر نظریه‌ها این قبیل کاستی‌ها را برطرف کنند (ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۲۱). در عین حال، این تلاش هرچند گامی به جلو در زمینه کارآمدی نظام ج.ا.ا. است؛ اما همچنان رویکردی انتزاعی با ابهامات متعدد است و تصویری شفاف از ابعاد و عناصر کارآمدی مبتنی بر شاخص‌های عینی در بخش‌های مختلف نظام سیاسی و کارویژه‌های آن ارائه نمی‌دهد.

۵. نظریه سیستم: از این دیدگاه ملاک کارآمدی، سنجش ارکان سه‌گانه ورودی و عملیات تغییر و تحول و خروجی در یک سیستم است. در این نظریه، کارآمدی مبتنی بر قدرت تهیه ورودی، چگونگی سازمان‌دهی خروجی، نحوه تعامل با محیط داخلی و خارجی و حفظ استقرار در تعادل سیستم می‌باشد. در این نظریه، بقای درازمدت سازمان به نوعی مبنای کارآمدی است (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۵۱).

نقد و بررسی: این نظریه برخلاف نظریه‌های پیشین، رویکردی علمی و عینی به ماهیت نظام سیاسی، ارکان، فرایندهای کارکردی و کارویژه‌های آن دارد (عابدینی، ۱۳۸۹: ۲۵). از این رو در تحقق و ارزیابی کارآمدی از توانایی بیشتری برخوردار بوده و ذهن را در تفکیک شاخص‌های کارآمدی نظام سیاسی یاری می‌رساند (نبوی، ۱۳۹۴: ۲۲۷). در عین حال، چندان مورد توجه پژوهشگران در تحلیل کارآمدی نظام ج.ا.ا. نیست (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹۶؛ ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۱۷). برخی از این ایرادات گرفته شده عبارتند از:

۱. مبنای ارزیابی کارآمدی باید خروجی سیستم در ارتباط با اهداف؛ حفاظت در مقابل تهدید خارجی، برقراری نظم و قانون، حفظ نظام، مدیریت اقتصادی و تحکیم فرهنگی، باشد (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۸۶). همچنین عنصر اراده در یک سازمان (تجمع عامل) و برخورد سیستمی و روند تحول

را با مشکل مواجه می‌سازد (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹۶).

در پاسخ به ایراد فوق، باتوجه به توضیحاتی که در خصوص کاربرد رهیافت سیستمی جامع‌نگر درباره کارآمدی نظام ج.ا.ا، گذشت، این نقص با تأثیرگذاری اندیشه‌های بنیادین و معطوف بودن بودن همه فرایندها به هدف اصلی نظام، یعنی تحقق حیات طیبه، مرتفع می‌شود. افزون بر این، نقص تجمع عامل همچنان در تئوری عمل ارادی (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۵۱) نیز مطرح است؛ زیرا عمل ارادی پیرامون حکومت در هر صورت فعل سازمان است نه فرد و مشکل حاکمیت اراده واحد، همچنان باقی است.

۲. پیچدگی و عناصر فراوان محیط سیستمی، ارزیابی را بسیار دشوار می‌سازد. همچنین تبیین انتظارات برای خروجی سیستم و به‌خصوص معیارهای کمی این انتظارات، کار ساده‌ای نیست (ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

در ارتباط با ایراد دوم نیز صرف وجود عناصر فراوان محیطی، نباید باعث نادیده گرفتن تأثیر این عناصر در کارآمدی شده و با نادیده گرفتن واقعیات، به نظریه حالت انتزاعی داد؛ بلکه می‌توان با استفاده از نظریات علمی همانند رهیافت دقیق و آزموده سیستمی، به واقعیات پیرامونی محیط توجه و نقش و کارکرد هرکدام را بررسی کرد. همچنین دستیابی به انتظارات جامعه پیرامون خروجی سیستم امکان‌پذیر است و با راهکارهایی همانند اندیشه‌های بنیادین، اصول قانون اساسی، سیاست‌گذاری‌های کلان و پیمایش‌های ملی می‌توان این انتظارات را استخراج و با مدل‌های علمی آماری تبیین کرد. به نظر می‌رسد تعریف فوق از نظریه سیستمی، نگرشی تقلیل‌گرایانه و غیربومی از این نظریه در مباحث کارآمدی است.

در پژوهش حاضر، رهیافت سیستمی جامع‌نگر محور تبیین همه ابعاد کارآمدی است و تعامل همه عوامل داخلی و پیرامونی منتج به کارآمدی نظام سیاسی را مبنای ارزیابی کارآمدی می‌داند. از این منظر، می‌توان با بومی‌سازی نظریه سیستمی، کاستی‌های آن را از طریق تبیین دقیق عوامل چهارگانه مؤثر بر کارآمدی و فرایندهای عملکردی سیستم در تعامل با محیط داخلی و خارجی و معطوف نمودن همه کارکردها به اهداف، برطرف نمود و از امتیازات بی‌شمار آن بهره جست و به ارتقای کارآمدی ج.ا.ا از جهت نظری و عملی کمک کرد. بدین گونه این رهیافت با توجه به واجدیت عوامل چهارگانه کارآمدی از امتیازات و توانایی‌های مختلفی در مقایسه با سایر نظریه‌ها برخوردار می‌باشد (جدول شماره ۴).

جدول ش ۴: مقایسه نظریات کارآمدی

نظریه/کارآمدی	ایده بنیادین	ساختار	کارگزار	رفتار
توفیق	ندارد	ندارد	ندارد	دارد (کم)
رضایت	ندارد	ندارد	ندارد	دارد (کم)
عمل ارادی	ندارد	ندارد	ندارد	دارد (متوسط)
تکلیف	دارد (متوسط)	دارد (کم)	دارد (کم)	دارد (کم)
سیستمی	ندارد	دارد (متوسط)	ندارد	دارد (متوسط)
سیستمی جامع‌نگر	دارد (زیاد)	دارد (زیاد)	دارد (زیاد)	دارد (زیاد)

(منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر)

مطابق جدول بالا، هر کدام از نظریه‌های رایج به جنبه‌ای خاص از کارآمدی توجه دارند؛ اما رهیافت سیستمی جامع‌نگر از قابلیت پوشش دادن به همه نکات مثبت نظریه‌های مسأله کارآمدی برخوردار است، بدون اینکه در هیچ کدام از آنها منحصر شود؛ همانند توجه به توفیق در دستیابی به اهداف سیستم (حیات طیبه)، تأمین رضایت مردم در قسمت خروجی سیستم، تکیه بر شناخت صحیح وضعیت سیستم و مقاصد آن و برنامه‌ریزی کارشناسانه و تصمیم‌سازی معقول، در چارچوب آموزه‌ها و ارزش‌های الهی و مصالح جامعه اسلامی، و بالاخره تأکید بر تکلیف‌گرایی الهی در شناخت و برنامه‌ریزی و اجرا در همه مراحل و فرایندهای نظام سیاسی مد توجه است. بر این اساس، یکی دیگر از کاربردهای رهیافت سیستمی جامع‌نگر، در ارزیابی کارآمدی نظام ج.ا.ا است که می‌توان با توجه به ماهیت نظام ج.ا.ا مبانی و مقاصد و سایر عوامل موثر بر کارآمدی آن، معیار کارآمدی این نظام را از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر، این گونه تعریف کرد: «ایفای بهینه کارویژه‌های نظام حکومتی در تدارک عوامل بنیادین، ساختاری، کارگزاری و رفتاری در محیط داخلی و پیرامونی و کاربست آنها در مراحل سه‌گانه تبدیل و تطبیق و تطابق در راستای وصول به حیات طیبه».

شاخص‌های کارآمدی ج.ا.ا

ارزیابی کارآمدی افزون بر نظریه و مدل علمی، نیازمند شاخص‌سازی است. برخی شاخص‌های کارآمدی در همه نظام‌ها مشترک است و پاره‌ای متناسب با ایده‌های بنیادین، اهداف و آرمان‌های جوامع و نحوه عملکردی نظامها، متفاوت می‌باشد. چگونگی تعیین این شاخص‌ها در

نظام ج.ا.ا افزون بر مراجعه به شاخص‌های مشترک در ارزیابی کارآمدی نظام‌های سیاسی (Almond, 1978: 399) بر اساس محورهای متعددی، همانند مبانی اعتقادی و ارزشی نظام و جامعه اسلامی، آرمان‌های انقلاب اسلامی، اهداف و اصول قانون اساسی ج.ا.ا، بیانات امام و رهبری، سیاست‌های کلان نظام، برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز، ارزش‌های عمومی و نگرش‌های ایرانیان، امکان‌پذیر است. در نمودار شماره چهار این شاخص‌ها در چارچوب رهیافت سیستمی جامع‌نگر از منظر تعالیم اسلامی و اهداف قانون اساسی ج.ا.ا و سیاست‌های کلان نظام، در زمینه عوامل کارآمدی نظام سیاسی در ارتباط با وصول نظام‌های پیرامونی به حیات طیبه، ارائه شده‌اند.



نمودار ۵: شاخص‌های کارآمدی رهیافت سیستمی جامع‌نگر معطوف به حیات طیبه

(منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر)

بر اساس نمودار فوق، هدف اساسی کارآمدی ج.ا.ا. وصول به حیات طیبه است که مطابق رهیافت سیستمی جامع‌نگر از یک سو نیازمند فراهم بودن عناصر کارآمدی با شاخص‌های معطوف به محیط داخلی نظام اسلامی است و از دیگر سو این نظام در ارتباط با محیط پیرامونی خویش، کارویژه‌هایی دارد که بیانگر شاخص‌های تحقق حیات طیبه در هر کدام از این نظام‌های چهارگانه است. در حقیقت کارآمدی نظام ج.ا.ا. تابعی از میزان تحقق شاخص‌های عناصر درون سیستمی و نظام‌های پیرامونی تلقی می‌شود.

بدیهی است توجه جدی و رعایت این شاخص‌ها، پیامدهای مهمی در جهت‌گیری و تلاش نظام سیاسی برای عمل به کارویژه‌های خویش، توسعه همه‌جانبه و ارتقای سطح رضایت‌مندی جامعه داشته، افزایش مشروعیت، تداوم، پویایی و کارآمدی نظام سیاسی را به دنبال خواهد داشت. همچنین تحقق این شاخص‌ها در جهت اهداف و کارویژه‌های نظام ج.ا.ا.، باتوجه به بهره‌برداری بهینه از امکانات و مواجهه اصولی و منطقی با محدودیت‌ها و موانع داخلی و بین‌المللی، تأمین‌کننده کارآمدی نظام اسلامی است و سنجش میزان کارآمدی آن نیز با لحاظ این شاخص‌ها امکان‌پذیر است نه با شاخص‌های نظام‌های مادی‌گرا یا نظریه‌های دیگر درباره کارآمدی.

د. مزیت‌های تحلیلی رهیافت سیستمی جامع‌نگر

رویکرد سیستمی مطرح در علوم سیاسی علی‌رغم پاره‌ای کاستی‌ها (حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۵۱) از ظرفیت تکمیل و بومی‌سازی برخوردار است و با رفع کاستی‌ها می‌توان از امتیازات و کاربردهای منحصر به فرد آن در تبیین ابعاد کارآمدی ج.ا.ا. بهره جست؛ اما چرا رهیافت سیستمی جامع‌نگر، از میان نظریات فوق درباره کارآمدی ج.ا.ا.، مؤثرترین نظریه است؟ پاسخ چرایی این موضوع را می‌توان از ابعاد مختلف بررسی نمود:

۱. از منظر علم سیاست: رویکرد سیستمی یکی از بهترین روش‌ها جهت شناخت علمی نظام سیاسی و نحوه فعالیت آن است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۸۰-۶۱). کاربرد مفهوم کارآمدی در ادبیات سیاسی را باید مرهون ادبیات نظریه سیستمی دانست (قوام، ۱۳۷۸: ۵۳). مهم‌ترین اهدافی که در رویکرد تحلیل سیستمی دنبال می‌شوند عبارت‌اند از: ایجاد مدل‌های تعمیم‌یافته سیستم‌ها، تهیه یک دستگاه منطقی‌روش‌شناختی برای تشریح کارکرد و رفتار عنصر سیستم‌ها، تنظیم نظریه‌های تعمیم‌یافته انواع مختلف سیستم‌ها از جمله نظریه‌های پویایی سیستم‌ها و فرایندهای کنترل (حقیقت،

۱۳۹۱: ۲۵۱). این روش که محصول دید کلان و جامع نسبت به عملکرد نظام‌های سیاسی است، در کوتاه‌ترین راه و با بیشترین بازدهی پژوهشگر را به هدف تحقیق می‌رساند (رضائیان، ۱۳۸۳: ۳۶). رهیافت سیستمی جامع‌نگر نیز این امتیازها را دارد.

۲. از نظر ماهیت نظام‌های سیاسی: یکی از ویژگی‌های تحلیل سیستمی، کل‌گرایی است؛ بدین معنا که اساساً کلیت‌های نظام‌مند را نمی‌توان با تجزیه شناخت، بلکه باید آن‌ها را به‌عنوان یک سیستم تحلیل کرد. بررسی ماهیت نظام سیاسی و وجوه کارکردی و ساختاری آن، مبین مجموعه‌ای از عناصر، کارکردها و ارتباطات در نظام سیاسی است. در حقیقت ماهیت حکومت و مدیریت جامعه، موضوعی است که با مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط با حیات بشر ارتباط دارد؛ از این رو، ساختارها، قوانین، فرآیندها و سایر تصمیمات و کارکردهای حکومت و نظام‌های پیرامونی آن، به‌هم مرتبط بوده و در یکدیگر تأثیر دارند و از میان نظریه‌های مختلف، تنها نظریه سیستمی به خوبی می‌تواند تبیین‌گر و تحلیل‌کننده کارآمدی نظام سیاسی باشد.

همچنین نظام‌های سیاسی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به فعالیت مشغول‌اند که تفکیک این عرصه‌ها، علی‌رغم برخی امتیازات، ایرادهای اساسی دارد؛ «زیرا هیچ‌گاه نمی‌توان در جهان واقع چنین عرصه‌هایی را منفک و متمایز از همدیگر ردیابی و شناسایی کرد» (پورعزت، ۱۳۸۷: ۳۱۸). همچنین توجه به شرایط محیطی در کنار تفکیک میان ارکان مختلف نظام سیاسی و کارکردهای آن، امکان بررسی جامع را فراهم کرده و ذهن را در تفکیک شاخص‌های کارآمدی نظام سیاسی یاری می‌رساند. رهیافت سیستمی جامع‌نگر نیز چنین مزیت‌های دارد.

۳. از منظر مختصات نظام ج.ا.ا: موضوع مهم در بررسی ماهیت، ساختار و عملکرد نظام ج.ا.ا این است که این نظام، علی‌رغم پاره‌ای اشتراکات با سایر نظام‌های سیاسی، از منظر ایده‌های بنیادین، اهداف، ساختارها و رفتارها و نوع تعامل با نظام‌های پیرامونی، ماهیتی کاملاً منحصر به خود دارد. بر این اساس، ماهیت، عناصر، فرایندها و ارزیابی کارآمدی این نظام نیز با سایر نظام‌ها متفاوت است و تحقق بررسی همه ابعاد کارآمدی آن نیز مدلی بومی و متناسب به خود را می‌طلبد؛ زیرا کارآمدی مفهوم چند بُعدی است؛ سطح کلی آن، کارکردهایی نظیر رفاهی، امنیتی، اقتصادی و بهداشتی که در همه نظام‌ها مشترک است؛ اما سطح خاص بیانگر کارکردهاست و ضوابط هنجاری و ارزشی حاکم بر نظام سیاسی را بیان می‌کند که در نظام‌ها متفاوت‌اند. مدل رهیافت سیستمی جامع‌نگر، ظرفیت بازنمایی این دو سطح را متناسب با شاخص‌های نظام ج.ا.ا به خوبی داراست.

۴. از نظر ماهیت کارآمدی سیاسی: ماهیت کارآمدی سیاسی مرتبط با نظام سیاسی، عوامل سازنده و مؤثر بر آن است. رهیافت سیستمی جامع‌نگر، افزون بر شناخت نحوه تکوین و عملکرد نظام‌های سیاسی و همه متغیرهای دخیل در آن، امکان ارزیابی و اصلاح مستمر خط‌مشی‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری و عملکرد نظام را با توجه به تغییرات محیط داخلی و خارجی فراهم ساخته و ظرفیت تطبیق و پاسخ‌گویی نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. خصوصاً با توجه به چالش‌هایی که نظام اجتماعی و سیاسی ایران پس از انقلاب، در بخش‌های مختلف سیستم، خصوصاً در قسمت خروجی و کارکردهای استخراجی، توزیعی، تنظیمی و نمادین و همچنین کارکردهای جامعه‌پذیری، استخدام و ارتباطات و سایر حوزه‌های داخلی و بین‌المللی، با آن مواجه است و تنها با کاربست الگویی علمی و جامع‌نگر و بومی و متناسب با عملکرد سیستم سیاسی می‌توان بر این چالش‌ها فائق آمد.

نظریه سیستمی، برخلاف سایر نظریه‌ها نگاهی کلان و جامع به همه ابعاد کارآمدی دارد و تنها در یک جزء یا فرایند و مرحله از عملکردهای سیستم محدود نمی‌شود؛ البته نه کل‌نگری ذهنی و تقریبی بلکه کل‌نگری دقیق و هندسی. کل‌نگری در این مرحله جنبه کشف قانونمندی‌های کلی را دارد که نقطه اوج آن کشف قوانین سیستم‌ها یا نظریه عمومی سیستم‌ها است (زورق، ۱۳۸۶: ۴۶). همچنین عملکرد هر جزء در رابطه با کل سیستم مطالعه می‌شود.

از دیدگاه این رهیافت، کارآمدی نظام سیاسی تابعی است از کارآمدی مجموعه اجزای سیستم و نظام‌های پیرامونی آن. بر این اساس، نگاه تک‌علیتی به تحقق و ارزیابی کارآمدی سیاسی صحیح نیست. نباید کارآمدی را به یک جزء معطوف کرد. از صحت یا کارکرد مناسب یک عامل نمی‌توان انتظار پیشرفت و تحقق همه اهداف را داشت. تحقق حیات طیبه نیازمند فراهم ساختن و تعامل همه عناصر داخلی و بیرونی دخیل در کارآمدی ج.ا.ا است.

۵. از منظر مبانی دینی نظام: ج.ا.ا نظامی مبتنی بر دین مبین اسلام و فقه امامیه است و فهم صحیح این نرم‌افزار و کاربرد مناسب آن نیازمند نگاهی نظام‌واره و سیستمی بدان می‌باشد (واسطی، ۱۳۹۱: ۲۶۵)؛ زیرا دین مجموعه‌ای نظام‌مند از ابواب، عناصر و گزاره‌هایی به هم پیوسته است و همه در راستای هدف واحدی هستند که همان تحقق حیات طیبه در راستای سعادت دنیوی و اخروی بشریت است. این هدف ساختار ارتباطی اجزاء و عناصر را تعیین می‌کند که در این چارچوب، دارای روابط عمیق با یکدیگر و با متغیرهای محیطی پیرامون خود هستند. بر این اساس، دستیابی به فهم صحیح دین و کارکرد بهینه آن به عنوان نرم‌افزار نظام ج.ا.ا بدون رهیافت

سیستمی جامع‌نگر امکان ندارد.

نتیجه‌گیری

کارآمدی ج.ا.ا، نیازمند رویکردی واقع‌گرایانه و جامع به ماهیت، عوامل و فرایندهای داخلی و محیطی نظام سیاسی است. رهیافت سیستمی جامع‌نگر نیز مبتنی بر این انگاره است و ضمن استفاده از نظریه‌های خارجی و داخلی پیرامون ماهیت نظام سیاسی، فرایندها، کارآمدی و شاخص‌های آن، مدلی علمی با شاخص‌های بومی طراحی می‌کند تا دربردارنده همه ابعاد کارآمدی ج.ا.ا و عوامل مؤثر بر آن در چارچوب اندیشه‌های بنیادین این نظام و تحقق حیات طیبه به عنوان مقصد اصلی باشد. مهم‌ترین نتایج و امتیازات کاربست رهیافت سیستمی جامع‌نگر پیرامون کارآمدی نظام ج.ا.ا عبارت‌اند از:

۱. هرگونه نظریه‌پردازی در رابطه با کارآمدی نظام ج.ا.ا نیازمند توجه توأمان به ماهیت نظام سیاسی، نحوه کارکرد، تعاملات درونی و محیطی آن از یک‌سو و مختصات نظام ج.ا.ا، از سوی دیگر است. استفاده از نظریات توسعه و علوم مدیریتی نیز، جهت مدل‌سازی بومی و ارتقای سطح کارآمدی ج.ا.ا، راهگشاست.
۲. رهیافت سیستمی جامع‌نگر به تبیین علمی فرایندهای کارآمدی ج.ا.ا، در سطوح داخلی و پیرامونی و نحوه تعاملات آنان پرداخته و شاخص‌های بومی در هر سطح ترسیم می‌کند.
۳. ضرورت اجماع‌تئوریک‌نخبگان سیاسی و علمی کشور در راستای تبیین استراتژی‌های ملی در چارچوب مبانی بنیادین و شاخص‌های حیات طیبه و پرهیز از هرگونه الگوهای وارداتی غیرمتناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و نگرش‌های جزئی و جزیره‌ای در استنباط و نظریه‌پردازی‌های دینی.
۴. ایجاد حلقه‌های ارتباطی و تعامل میان نخبگان سیاسی، دانشگاهی، حوزوی و مراکز پژوهشی در جهت نظریه‌پردازی‌های بومی در رابطه با کارآمدی نظام ج.ا.ا، متناسب با نیازهای سیستم سیاسی و جامعه ایران.
۵. معنایابی اصطلاحات کاربردی در حوزه سیاسی همانند، آزادی، استقلال، عدالت، مردم‌سالاری، توسعه و تمدن‌سازی با نگاهی جامع به همه عناصر و عوامل، در چارچوب اندیشه بنیادین و دراه نیل به حیات طیبه.
۶. توجه به الزامات بینشی، دانشی، ساختاری و رفتاری، در مراحل سه‌گانه تبدیل و تطبیق و

- تطابق، در جهت ارتقای سطح کارآمدی ج.ا.ا.
۷. ضرورت تعامل نظام سیاسی در راستای بهره‌برداری از بیشترین ظرفیت‌ها و منابع محیط پیرامونی و پتانسیل‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی و تأثیرگذاری مثبت با راهکارهای مناسب بر این نظام‌ها، در راستای دستیابی به شاخص‌های حیات طیبه.
۸. تأمین استقلال قوای سه‌گانه در عین تعامل، هماهنگی و انسجام درونی در فرایندهای سیستمی و پرهیز از هرگونه نوسان و منازعه در تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری، اجرا و قضاوت و اتخاذ راهبردها متناسب با حیات طیبه و منافع ملی.
۹. رعایت ضوابط پیشی و مهارتی دقیق در انتخابات، گزینش‌ها و استخدام کارگزاران، بر اساس شایسته‌سالاری و پرهیز کارگزاران از هرگونه وعده‌های غیرمتناسب با امکانات کشور.
۱۰. ارائه تصویری سیستمی از کارآمدی ج.ا.ا و شفاف‌سازی عرصه تصمیم‌سازی و تدوین استراتژی‌ها و تاکتیک‌های ضروری، در کنار شناسایی و اصلاح عوامل مخلّ در عملکرد نظام ج.ا.ا در هر مرحله از عملکرد سیستم، به‌منظور فائق آمدن بر موانع ناکارآمدی و بحران‌های ناشی از آن در عرصه داخلی و بین‌المللی.
۱۱. ارتقای قدرت تحلیل جامعه با ارائه نگرشی جامع به همه عوامل و فرایندهای دخیل در کارآمدی سیاسی و پرهیز از هرگونه قهرمان‌سازی ناشایست، نگاه تک‌علیتی و جزءنگر.
۱۲. از منظر رهیافت سیستمی جامع‌نگر، کارآمدی نظام سیاسی تابعی است از کارآمدی مجموعه عناصر سیستم و نظام‌های پیرامونی آن. این رهیافت با رویکردی واقع‌گرایانه و جامع به همه عناصر ایده‌ای، ساختاری، کارگزاری، رفتاری و فرایندهای داخلی و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی پیرامون نظام سیاسی و با شاخص‌سازی‌های بومی پاسخ‌گوی همه ابعاد کارآمدی نظام ج.ا.ا است. کاربرست نظری و عملی این رهیافت، با توجه به همه این متغیرها، نقشی ممتاز در مفهوم‌شناسی، فرایندها و ارزیابی کارآمدی این نظام و تحقق "حیات طیبه" به عنوان مقصد اصلی انقلاب اسلامی، ایفا می‌کند.

منابع

الف - فارسی

- قرآن کریم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۷۶)، *مبانی سیاست*، تهران: توس.
- بهرام، اخوان کاظمی، (۱۳۸۳)، *درآمدی بر کارآمدی نظام سیاسی اسلام*، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- آقابخشی، علی، افشاری، مینو، (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: انتشارات چاپار.
- آرت، هانا، (۱۳۷۷)، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- بدیع، برتران، (۱۳۷۹)، *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب، تهران: قومس.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بلاندل، ژان، (۱۳۷۸)، *حکومت مقایسه‌ای*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پورعزت، علی‌اصغر، (۱۳۸۷)، *مبانی دانش اداره دولت و حکومت*، تهران: سمت.
- توکلی، عبدالله، (۱۳۸۳)، *اصول و مبانی مدیریت*، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- حقیقت، سید صادق، (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید.
- حقیقی، محمدعلی و دیگران، (۱۳۹۳)، *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: نشر ترمه.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۸۳)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3250>، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱.
- _____، (۱۳۹۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>، ۱۳۹۴/۰۷/۲۴ و ۱۳۹۰/۰۶/۲۵.
- خواجه‌سروی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، *سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری، محمدرضا، (۱۳۷۷)، *فرهنگ نشر نو*، تهران: تنویر.
- چیلکوت، رونالد، (۱۳۷۸)، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۲)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران:

انتشارات سمت.

- ذوعلم، علی، (۱۳۸۵)، *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رضائیان، علی، (۱۳۸۳)، *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم*، تهران: انتشارات سمت.
- رضوانی، محسن، (۱۳۸۱)، «اصول و شاخصه‌های کارآمدی دولت در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز، شماره ۱۹.
- زورق، محمدحسن، (۱۳۸۶)، *ارتباطات و آگاهی (مفاهیم، مبانی و روش‌ها)*، ج ۱، تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۱ ق)، *المدرسه الاسلامیه*، تهران: دارالکتاب الایرانی.
- عابدینی، آرش، (۱۳۸۹)، *بررسی شاخص‌های کارآمدی و کارآیی نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ره)*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۷)، *فقه سیاسی*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- فتحعلی، محمود، (۱۳۸۳)، *مبانی اندیشه اسلامی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- قاسمی، فرج‌الله، (۱۳۸۹)، «کارآمدی نظام ج.ا.ایران شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ۲۲.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۸)، *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: قومس.
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: نشر میزان.
- قریب، حسین، (۱۳۹۰)، *بررسی کارکردهای انواع عقل در سیاست‌گذاری عمومی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قیصری، نورالله و قربانی، مصطفی، (۱۳۹۴)، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی *دانش سیاسی*، سال یازدهم، پاییز و زمستان، شماره ۲۲.
- کلانتری، ابراهیم، (۱۳۹۳)، «کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن»، فصلنامه *سیاست*، پاییز، دوره ۴۴، شماره ۳.
- لاریجانی، محمد جواد، (۱۳۷۳)، *حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی*، تهران: سروش.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۹۲)، *دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای*،

جهانی و تاریخی، قم: معارف.

- مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۷۶)، کلیات حقوق اساسی، تهران: پایدار.
- مرتضوی، سید ضیاء، (۱۳۷۸)، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، سال چهارم، زمستان شماره ۱۴.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴)، حکیمانانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- موسوی، سید غلامرضا و واعظی، احمد، (۱۳۹۲)، «نگرش سیستمی و مسئله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ظرفیت‌های نهاد ولایت»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، زمستان، شماره ۶۴.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، (۱۳۸۷)، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نبوی، سید عباس، (۱۳۵۷)، «فقه، زمان و نظام‌سازی»، مجله کیهان اندیشه، مرداد و شهریور، شماره ۶۷.
- نبوی، سید مرتضی، (۱۳۹۴)، جمهوری اسلامی و چالش‌های کارآمدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نقیب زاده، احمد، (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سمت.
- واسطی، عبدالحمید، (۱۳۹۱)، نگرش سیستمی به دین، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- های، کالین، (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.
- یوسفی، حیات‌الله، (۱۳۸۹)، ساختار حکومت در اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان.

ب - انگلیسی

- Almond Gabriel A. and Pawell G. Bingham, (1978), *Comparative Politics (system process and policy)*, Sccond Edition, Little, Brown and Company.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی